

نقش سرمایه دینی پلیس در تحقق دولت اسلامی با تأکید بر توسعه امنیت اقتصادی در دولت اسلامی

حسین ذوالفقاری^۱، صیدال فعال^۲

چکیده

زمینه و هدف: هر کشوری برای پیشرفت مادی و معنوی، قوانین خاص خود را دارد اما «قوانین» به تنهایی نمی‌توانند سعادت را نصیب بشر نمایند بلکه در صورتی می‌توانند کارساز باشند که جنبه اجرای پیدا نماید. سازمانی که عهده‌دار اجرای قوانین است همان دولت است. پلیس یکی از بازوهای مؤثر حکومت اسلامی برای اجرای قوانین است.

این پژوهش با هدف تبیین نقش سرمایه دینی پلیس در تحقق دولت اسلامی با تأکید بر توسعه اقتصادی انجام شده و پاسخ به این پرسش ارائه شده است که: سرمایه دینی پلیس در تحقق دولت اسلامی (توسعه امنیت اقتصادی) چه نقشی دارد؟

روش تحقیق: روش پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و ابزار گردآوری اطلاعات مطالعه نظریه‌های علمی و مرتبط با مباحث دینی و توسعه‌ای بوده است که به منظور انطباق بیشتر مؤلفه‌های مربوطه با دیدگاه صاحب‌نظران، موضوعات با استفاده از روش پیمایشی در قالب پرسشنامه ۲۲ سؤالی با طیف لیکرت موردسنجش قرار گرفته و با نرم‌افزار spss تجزیه و تحلیل و با آزمون‌های آماری رتبه‌بندی شده و برای تعیین پایایی از فرمول آلفای کرونباخ استفاده شده و میزان تأثیر کارکردها بر حسب امتیازهای کسب شده، احصا شده است. جامعه نمونه شامل تعداد ۱۲۷ نفر از نخبگان و صاحب‌نظران ناجا با مدرک تحصیلی بالاتر از لیسانس که در سه طیف (طیف اول، نخبگان و صاحب‌نظران در حوزه امنیت؛ طیف دوم، نخبگان و صاحب‌نظران در حوزه اقتصاد و توسعه؛ طیف سوم، نخبگان و صاحب‌نظران در حوزه دین) بوده‌اند که به صورت هدفمند از کل جامعه آماری انتخاب و نتایج با استفاده از فنون مناسب آماری و آزمون‌های توصیفی و استنباطی محاسبه شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: با نگرش به یافته‌های پژوهش و شناسایی مؤلفه‌های اثرگذار مربوط به تحقیق و شناسایی تأثیرات سرمایه و قدرت دینی پلیس بر توسعه امنیت اقتصادی - که از مؤلفه‌های اصلی تحقق دولت اسلامی به‌شمار می‌آید - حاکی از آن است که دین و معنویت به‌عنوان قدرت برتر پلیس دارای اهمیت ویژه و مؤثر است و در تحقق توسعه اقتصادی در دولت اسلامی نقش اساسی دارد و در نتیجه ضرورت دارد متصدیان امر با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری و ایجاد راهبردهای مناسب در حوزه سرمایه دینی پلیس، در ایجاد بسترها و زمینه‌های توسعه امنیت اقتصادی کشور، اقدام کنند تا از این طریق استحکام دولت اسلامی محقق گردد.

واژه‌های کلیدی: دین، سرمایه دینی، دولت اسلامی، توسعه امنیت اقتصادی، پلیس.

۱. استادیار دانشگاه علوم انتظامی امین.

۲. مربی دانشگاه علوم انتظامی امین، masod.faal@yahoo.com

۱- مقدمه

مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۸۴/۶/۸ در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت فرمود: «از همان اوان کار، تلاش برای تشکیل دولت اسلامی شروع شد. بعضی‌ها می‌گویند شما بعد از ۲۷ سال می‌خواهید دولت اسلامی تشکیل دهید؟ نه تلاش و اقدام برای تشکیل دولت اسلامی از روز اول شروع شد؛ منتها افت‌وخیز داشته؛ پیشرفت و عقب‌گرد داشته؛ در جاهایی موفق بودیم، در برهه‌ای موفق نبودیم. بعضی از ماها وسط راه پایمان لغزید؛ بعضی از ماها در اصل هدف، مردد شدیم؛ بعضی از ماها نتوانستیم خود را نگه داریم؛ دل‌بسته به رفتارهای طاغوتی شدیم».

«اسم ما که دولت اسلامی باشد، کافی نیست؛ والا قبل از ما چند دولت جمهوری اسلامی دیگر در منطقه ما و آفریقا و جاهای دیگر وجود داشته و الان هم هست... اسم ما دولت اسلامی باشد، کافی نیست؛ باید عمل و جهت‌گیری ما اسلامی باشد... البته دولت اسلامی کامل به معنای واقعی کلمه، در زمان انسان کامل تشکیل خواهد شد... من گفتم انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی و بعد کشور اسلامی. اگر دولت ما اسلامی شد، آن وقت کشورمان اسلامی خواهد شد. اگر من و شما در معاشرت، در رفتار، در طلب مال، در مجاهدت‌ها، نتوانستیم خود را به حدنصاب برسانیم، از آن دانشجو، از آن جوان بازاری، از آن عنصر در رده‌های پایین دولتی، از آن کارگر، از آن روستایی، از آن شهری، چه توقعی می‌توانیم داشته باشیم که اسلامی عمل کنند؟ چرا مردم را بیخود ملامت می‌کنیم؟ نباید ملامت کنیم. اگر کمبودی هست، خودمان را باید ملامت کنیم».

ایشان در ادامه درباره معیار رفتار در دولت اسلامی فرمودند: «اول، ما اسلامی می‌شویم؛ وقتی اسلامی شدیم، «كُونُوا دُعَاةَ لِلنَّاسِ بِحَبْرِ أَلْسِنَتِكُمْ»؛ آن وقت عمل ما، مردم را مسلمان واقعی خواهد کرد و کشور، اسلامی خواهد شد؛ هم احکام و مقررات اسلامی است، هم اجرا اسلامی است، هم دولتمردان اسلامی‌اند، هم مردم به تبع حال و به تبع دولتمردان از لحاظ اخلاقی اسلامی خواهند شد...» باوجود این که در دوره‌ای از تاریخ برخی اندیشمندان، دین

۱. اشاره است به حدیث امام صادق علیه السلام (کلینی، الکافی، ج ۲: ۷۸).

را عامل عقب ماندگی جوامع می دانستند، باید گفت دین به عنوان یکی از ارکان قوی قدرت اکثر نظام های جهانی محسوب و سرمایه ای است که برای فرد و اجتماع است که تحصیل و تقویت آن موجب بهبود وضعیت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و به تبع آن توسعه و در نهایت موجب استحکام ساخت درونی نظام می شود. در کشور جمهوری اسلامی که شاکله وجودی آن مبتنی بر دین مقدس اسلام و همچنین پیروزی و اعتلای نظام با تکیه بر دین است، دین به عنوان اصلی ترین معیارهای اقتدار و منبع قدرت ملی و توسعه و استحکام دولت اسلامی به شمار می آید. با عنایت به فرمایشات مقام معظم رهبری، در این مقاله پس از مرور پیشینه مباحث مرتبط با این موضوع، تعریفی از سرمایه دینی ارائه می شود و عناصر تشکیل دهنده این سرمایه در دو بُعد سرمایه دینی فردی و سرمایه دینی اجتماعی بیان می شود. سپس، نحوه اثرگذاری دین و معنویت بر پلیس - به عنوان قدرت مؤثر بر توسعه امنیت اقتصادی - بررسی و در پایان نیز مباحث مطرح شده و نتایج داده ها جمع بندی می شوند.

اگر در جامعه ای حکومت وجود نداشته باشد، آن جامعه دچار هرج و مرج می شود. انسان ها طالب برتری و به خدمت گرفتن دیگران در راستای منافع خود هستند و رها بودن انسان و عدم حاکمیت قانون بر جامعه، موجب اختلاف، تشتت و هرج و مرج می شود زیرا محصول تلاش افراد با یکدیگر ارتباط و تلاقی دارد و همه خواهان استفاده از آن هستند. منافع، موجب تضام، اختلاف و فزونی کینه می شود و رفع هرج و مرج، درگرو قانون است (مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۷: ۸۵).

برای برون رفت از هرج و مرج در جامعه، نیاز به حاکمیت قانون و برقراری نظم و امنیت است تا جلوی برخورد و اصطکاک افراد جامعه گرفته شود و جامعه قانون مند گردد اما تنها وجود قانون باعث از بین رفتن هرج و مرج در جامعه نمی گردد؛ از این رو باید نهادی وجود داشته باشد تا آن قوانین را اجرا کند؛ آن نهاد اجرای قانون، همان حکومت و دولت است. بنابراین، قانون هر قدر کامل و منطبق بر نیازهای جامعه تنظیم شده باشد کافی نیست بلکه محتاج مجری و حاکم است. یکی از اهداف اساسی حکومت ایجاد نظم و امنیت در جامعه و

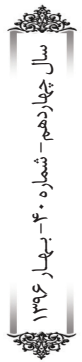
جلوگیری از تنازع و هرج و مرج است. امنیت و نظم، اهدافی هستند که هر انسانی به ضرورت آن‌ها واقف است (همان).

بدین ترتیب «عقل» حکم می‌کند که برای ایجاد نظم و امنیت در جامعه و اجرای قانون، باید حکومت و دولت وجود داشته باشد. در این میان، یکی از بازوان اجرای نظم و امنیت حکومت و دولت «پلیس» است.

با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری که در مقدمه به بخش‌هایی از آن اشاره شد، دین به‌عنوان یکی از ارکان قوی قدرت نظام اکثر نظام‌های جهانی محسوب می‌شود و در کشور جمهوری اسلامی که شاکله وجودی آن مبتنی بر دین مقدس اسلام است و به‌عنوان اصلی‌ترین معیارهای اقتدار و منبع قدرت ملی و استحکام درونی دولت اسلامی است. از جمله مسیرهای اثرگذاری قدرت دین بر رفتارهای اقتصادی، ایجاد وظایف و توصیه‌های اکید برای کار و تلاش بیشتر، هدفمند کردن زندگی، ایجاد نهادهای اقتصادی و اجتماعی مفید برای توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و ایجاد جامعه است. از آنجایی که دین می‌تواند در بهبود وضعیت اقتصاد فردی و اجتماعی پلیس اسلامی آثار مثبت داشته باشد، پس می‌تواند دین را در دو بُعد سرمایه دینی فردی و سرمایه دینی اجتماعی، عاملی محرک و برانگیزاننده برای توسعه جامعه تلقی کرد.

این پژوهش به دنبال پاسخ به این است که: سرمایه دینی پلیس در تحقق دولت اسلامی (با تأکید بر توسعه امنیت اقتصادی) چه نقشی دارد؟

با وجود این که مطالعات مختلفی انجام شده که در آن «اثر دین بر رفتارهای اقتصادی و امنیتی» مطرح شده است و برخی از این مطالعات نیز بعضی ویژگی‌های دینی افراد را بر تولید، رشد اقتصادی و مصرف، مؤثر دانسته‌اند ولی با عنایت به اهمیت برنامه‌های نظام جمهوری اسلامی و سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری، ضرورت این تحقیق آن است که شناخت زمینه‌های اجرایی این سیاست‌ها و برنامه‌ها و میزان اثرگذاری مؤلفه‌های مربوطه، می‌تواند در ارائه راهبرد و جهت‌گیری‌های آتی به متصدیان امر کمک کند تا با اعمال مدیریت صحیح و



استفاده از توانمندی‌های پلیس دینی و گسترش همکاری‌ها به‌عنوان یک وظیفه و نقطه قوت در دولت اسلامی در ابعاد امنیت اقتصادی متحقق شود.

۲- پیشینه تحقیق

می‌توان مطالعات انجام‌شده در این زمینه را به سه دسته تقسیم کرد؛ در ادامه به این سه دسته اشاره می‌شود.

۲-۱- اثر ادیان مختلف (اختلاف دینی) بر رفتارهای اقتصادی

برخی از دیدگاه‌های ارائه‌شده در این زمینه، نوع دین را بر رشد اقتصادی مؤثر دانسته‌اند. می‌توان از اولین دیدگاه‌های ارائه‌شده در این زمینه به نظرات «وبر» اشاره کرد. از نظر «وبر»^۱ پروتستان‌یسم اعتقاداتی ارائه کرده که برخلاف دیدگاه کاتولیک، نه تنها به مال‌اندوزی جنبه قانونی داده، بلکه چنانچه در راه لذت‌های زودگذر صرف نشود، به منزله مشیت الهی است و در کنار آن صورت‌های مختلف کسب ثروت را تأیید کرده است. از این رو «وبر» سرمایه‌داری و توسعه اقتصادی حاصل از آن را، نتیجه ایجاد و توسعه تفکر مذهب پروتستان‌یسم در مقابل کاتولیک می‌داند (وبر ۱۹۰۵).

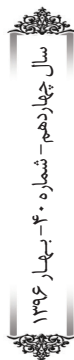
«تاوینی»^۲ (۱۹۲۶) تلاش کرد تا نشان دهد که نظر وبر صحیح نیست. «ساموئلسون»^۳ (۱۹۹۳) درباره نظرات او بررسی جامع‌تری انجام داد و نتیجه گرفت که بسیاری از نهادهای اشاره‌شده توسط «وبر» قبل از پروتستان‌یسم به‌طور محدود وجود داشتند. «دلاکرو»^۴ (۱۹۹۵) نیز در ادامه بررسی‌ها، به این نتیجه رسید که برخی از مناطقی که «وبر» توسعه آن‌ها را حاصل پروتستان‌یسم می‌داند، کاتولیک‌نشین بوده‌اند. «تولیسون»^۵ (۱۹۹۲) نیز نظرات مشابهی را ارائه کرده است.

1. Weber.
2. Tawney.
3. Samuelsson.
4. Delacroix.
5. Tolisson.



«آلن»^۱ (۱۹۹۸) در بررسی خود، افزایش دستمزد (در یک زمان مشخص در اروپا) در شهرهای کاتولیک‌نشین (۱۹ درصد) را بیشتر از مناطق پروتستان‌نشین (۴ درصد) می‌یابد. «مک کلری»^۲ (۲۰۰۲) نیز در پی اثبات دیدگاه «وبر» بین مذاهب پروتستان، کاتولیک، اسلام، هندو و بودایی برآمده است. «گلا»^۳ و «ووریس»^۴ (۱۹۸۹)، «هیت»^۵ «واترز»^۶ و «واتسون»^۷ (۱۹۹۵)، «نیسبت»^۸ (۱۹۸۹) و «پالدام»^۹ (۱۹۹۹) نیز نتایج مشابهی مبنی بر تفاوت اثر نگرش‌های حاصل از مذاهب مختلف در رشد اقتصادی، می‌گیرند.

در کنار این بررسی‌ها، مطالعاتی نیز انجام شده است که رابطه مذاهب مختلف با مصرف را بیان می‌کنند. از جمله اولین دیدگاه‌های منسجم در این زمینه حاصل مطالعه «هریسمن»^{۱۰} (۱۹۸۳) است که رابطه بین پیروی از مذاهب پروتستان، کاتولیک و یهود را با برخی رفتارهای مصرفی شهروندان آمریکا بررسی کرد و این رابطه را مثبت دانست. «سود»^{۱۱} و «ناسو»^{۱۲} (۱۹۹۵) نیز این رابطه را بین پیروان دین ژاپنی و پروتستان‌های آمریکایی بررسی نمود و به این نتیجه رسید که رفتار مصرفی این دو گروه‌ها، به‌طور مشخص از یکدیگر متفاوت



-
1. Allen.
 2. McCleary.
 3. Glah.
 4. Vorhies.
 5. Heath.
 6. Waters.
 7. Watson.
 8. NissBet.
 9. Paldam.
 10. Hirschman.
 11. Soood.
 12. Nasu.

است. «مایر»^۱ و «شارپ»^۲ (۱۹۶۲)، «گری لی»^۳ (۱۹۶۳)، «گای»^۴ (۱۹۹۱)، «پیلی»^۵ (۱۹۹۲)، «گولدین»^۶ (۱۹۹۲) و «لهر»^۷ (۲۰۰۲) نیز این موضوعها را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که رفتار مصرفی پیروان مذاهب مختلف، متفاوت است.

۲-۲- اثر شدت اعتقادات دینی بر رفتارهای اقتصادی

برخی از بررسی‌ها که رابطه دین و رفتارهای اقتصادی را بررسی کرده‌اند، اثر شدت اعتقادات دینی بر رفتارهای اقتصادی را در مذاهب مختلف بررسی نموده‌اند. از جمله این تحقیقات و دیدگاه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

«کهِف» (۱۹۷۲ و ۱۹۷۴) پیروان دین را دارای هزینه‌های خاص خود دانسته است. تحقیقات مختلف «فهیم خان» (۱۹۸۶) از اقتصاددانان مسلمان نیز به رابطه تقوای دینی بر مصرف، تأکید کرده است. «عزتی» (۱۳۸۱) به صورت نظری و تجربی رابطه بین ایمان دینی با مقدار مخارج توصیه شده در دین را بررسی کرده و نتیجه گرفته که این رابطه، مثبت و معنی دار است. همچنین «عزتی» (۱۳۸۵) رابطه بین ایمان دینی و استفاده از پول برای سرمایه‌گذاری، سپرده با سود نزد بانک، قرض و پرداخت قرض الحسنه را بررسی نموده و این رابطه را معنی دار یافته است. پژوهش‌های مختلفی نیز در جوامع غیرمسلمان انجام شده است. از جمله «استارک»^۸ (۱۹۷۲) رابطه بین اعتقادات دینی با درآمد و فعالیت‌های دینی را بررسی کرده و رابطه مثبت بین آن‌ها را تأیید نموده است. «ویلکس»^۹، «بارنت»^{۱۰} و «هاول»^{۱۱} (۱۹۸۶) رابطه اندازه دین‌داری و عوامل

1. Maayer.
2. Sharp.
3. Garryly.
4. Gay.
5. Pyle.
6. Goldin.
7. Lehrer.
8. Stark.
9. Wilkes.
10. Burnett.
11. Howell.

تعیین‌کننده مصرف را بررسی و رابطه مثبت آن‌ها را تأیید کرده‌اند. «یاناکن»^۱ (۱۹۹۲) تلاش کرد تا رابطه بین پیروی از مذاهب محافظه‌کار، رادیکال، لیبرال و گروه‌های دیگر را با سطح درآمد، کمک به کلیسا و حضور در کلیسا بررسی کند و رابطه‌ای معنی‌دار یافت. «هوک»^۲ و «یانگ»^۳ (۱۹۹۴) رابطه بین پیروی از گروه‌های لیبرال و اصول‌گرای مسیحی در آمریکا را با مقدار کمک به کلیسا بررسی کرد و کمک اصول‌گرایان را بیشتر یافت. مرکز ملی تحقیقات نظرسنجی آمریکا (۱۹۸۶-۱۹۹۰) نیز بررسی پیوسته‌ای را انجام داد و به نتیجه‌ای مشابه رسید. «گایسو»^۴، «ساپینزا»^۵ و «زینگالز»^۶ (۲۰۰۲) در یک بررسی میدانی بر روی رفتار افراد در ۶۶ کشور جهان، نتیجه گرفتند که به‌طور متوسط دین بر روی نگرش‌های مناسب برای رشد اقتصادی اثر مثبت دارد. «گلاه»^۷ و «ووریس»^۸ (۱۹۸۹) نیز همین مطلب را بیان کرده‌اند.

۲-۳- سرمایه انسانی دینی

هرچند می‌توان مطالعات اشاره‌شده در دو قسمت قبل را نیز مطالعاتی دانست که به‌نوعی دین را در قالب سرمایه مطرح کرده‌اند، اما اغلب آن‌ها تنها به موضوع وجود این سرمایه، بدون اشاره به ماهیت و حتی نام بردن از آن به‌عنوان سرمایه پرداخته‌اند. باین‌وجود، برخی مطالعات به سرمایه‌ای از جنس دینی توجه کرده‌اند. در ادامه به این مطالعات که بسیار محدود هستند اشاره می‌کنیم.

در این مطالعات چنین استدلال شده است که از لحاظ نظری افزون بر زمان و دارایی، عوامل دیگری نیز بر مقدار فعالیت‌های (اعمال و هزینه‌های) دینی مؤثرند. «استیگلر»^۹ و

1. Iannaccone.
2. Hoge.
3. Yong.
4. Gaiso.
5. Sapienza.
6. Zingales.
7. Glah.
8. Vorhies.
9. Stigler.

«بیکر»^۱ (۱۹۷۷) توضیح می‌دهند که تنها مقدار زمان و دارایی در اختیار فرد، در تخصیص به فعالیت‌های دینی مؤثر نیستند، بلکه صبغه دینی فرد، مانند دانش دینی، آشنایی با مراسم دینی، ارتباط با افراد دینی و نظیر این‌ها نیز در تخصیص مقدار زمان و دارایی در فعالیت‌های دینی مؤثر است. این مجموعه عوامل را «سرمایه انسانی» دینی می‌نامند.

بر اساس دیدگاه سرمایه انسانی دینی، ممکن است با تغییر دین، اعمال دینی افراد کاهش یابد، زیرا دانش، اعمال، سنت‌ها و دکترین دینی در مذاهب مختلف متفاوت است. از این رو، افرادی که به دین جدید می‌پیوندند، از سرمایه انسانی کمتری در دین جدید برخوردارند. سرمایه دینی در طول عمر فرد و توسط والدین، دوستان، هم‌کیشان، آشنایان، حضور در مراسم دینی یا مطالعات در طول عمر، افزایش می‌یابد.

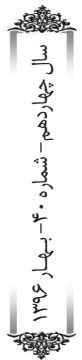
از جمله مطالعات تجربی در این زمینه، توسط «یاناکن» (۱۹۹۰) انجام شده است. او تلاش کرد با استفاده از داده‌های منتشرشده توسط منابع مختلف که بر اساس مطالعات میدانی به دست آمده‌اند، اثر سرمایه انسانی دینی، زمان و دارایی را بر روی فعالیت‌های دینی آزمون کند. او در مقاله خود تلاش کرده است تا الگوهای مشاهده‌شده از تغییر فرقه‌ای دین، ازدواج بین دینی، سن تغییر مذهب، ارتباط بین حضور و پرداخت کمک مالی به کلیسا، اثر آموزش (تربیت) و ازدواج داخل مذهبی بر روی مشارکت در فعالیت‌های مذهبی را تبیین کند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهند که مباحث نظری، اثر سرمایه انسانی دینی با شرایط یادشده از پشتیبانی تجربی خوبی برخوردارند. از جمله نتایج کلی این تحقیق چنین است:

هنگامی که افراد به سن بلوغ می‌رسند و تصمیم به انجام اعمال دینی می‌گیرند، به سمت آن شاخه‌های مذهبی می‌روند که والدین آن‌ها پیرو آن شاخه‌ها بوده‌اند. افرادی که در این سنین تغییر مذهب می‌دهند، به سمت مذاهبی گرایش دارند که در محیط اجتماعی زندگی آن‌ها حاکم بوده‌اند. همچنین بیشترین تغییر در دین‌ها (در نمونه موردبررسی) بین مذاهب نزدیک به هم صورت گرفته است. تغییر دین مانند تغییر شغل، اغلب در اوایل دوران زندگی

1. Becker.

که تلاش برای سازگاری با محیط انجام می‌شود، صورت می‌پذیرد. در طول زمان با افزایش سن و منافع، تغییر دین کاهش و هزینه‌های آن افزایش می‌یابد. در نتیجه، تغییر دین در سنین بالا به‌ندرت انجام می‌شود. چون دین زن و شوهر به‌عنوان داده‌های مکمل عمل می‌کنند، ازدواج‌های بین دینی کمتر دوام داشته‌اند، درحالی‌که ازدواج‌های درون دینی دوام بیشتری داشته‌اند. افزون بر این، همان نیروهایی که گرایش به دین والدین را ترغیب می‌کند، ازدواج داخل دینی را تقویت می‌کند. چنانچه در ازدواج‌های بین دینی یکی از دو زوج به دین همسر تغییر دین دهند، دوام ازدواج بیشتر می‌شود، زیرا منافع و مطلوبیت‌های دینی افزایش می‌یابد (یاناکن، ۱۹۹۰).

در جمع‌بندی مطالعات انجام‌شده، می‌توان گفت مطالعات مختلفی که در زمینه رابطه دین و رفتارهای اقتصادی انجام شده است، اغلب دین را در یک یا چند باور و اعتقاد خلاصه کرده‌اند و در نتیجه اثر آن را بر فعالیت‌ها و رفتارهای اقتصادی بررسی نموده‌اند. اغلب این بررسی‌ها، به‌ویژه از طرف غیرمسلمان‌ها، دین را یک عامل فردی دانسته و آن را بر رفتارهای فردی و در برخی موارد، بر رفتارهای جامعه مؤثر شمرده‌اند. به‌عبارت‌دیگر اغلب این نوع مطالعات با نگاه فردگرایانه انجام شده و جایگاه دین را در حد تفکر پایه‌ای اندیشه سرمایه‌داری دانسته‌اند و آن را به رفتارهای فردی و از طریق آن بر جامعه مؤثر محسوب کرده‌اند. اندک مطالعاتی که با رویکرد سرمایه‌ای به دین نگرسته‌اند، اثر سرمایه دینی را بیشتر بر مصرف و رفتارهای مصرفی فردی بحث کرده‌اند. هرچند این مطالعات مبنای فلسفی فردگرایانه داشته‌اند و با فلسفه لیبرالیسم هماهنگ بوده‌اند، اما در غرب توجه چندانی به این موضوع نشده و خوشبختانه این مطالعات نیز توسعه چندانی نیافته‌اند و اکثر مطالعات واقعی که در پیشینه تحقیق به آن‌ها اشاره شد گویای ارتباط مستقیم دین با توسعه بوده و تأثیرات زیاد دین را بر توسعه به‌ویژه اقتصاد تأیید نموده‌اند که درک صحیح این موضوع مستلزم شناخت ماهیت اصلی دین و پرهیز از مغالطه‌های بی‌اساس است. البته این موضوع که متأسفانه در جهان اسلام امروزی به دلیل برداشت ناصحیح و افراطی از دین، موجبات عقب‌ماندگی این جوامع فراهم آورده که البته بررسی آن از حیطه این تحقیق خارج است.



۳- نظریه‌ها و مفاهیم

۳-۱- سرمایه

«پیر بوردیو»^۱ (۱۳۸۴) سرمایه را سه نوع می‌داند: اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی. شکل اقتصادی سرمایه که بلافاصله قابل تبدیل به پول است، مانند دارایی‌های منقول و ثابت یک سازمان. سرمایه فرهنگی، نوع دیگری از سرمایه است که در یک سازمان وجود دارد مانند تسهیلات اعضای سازمان که این سرمایه نیز در برخی موارد و تحت شرایطی قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی است.

۳-۲- سرمایه دینی

منظور ما از دین، تعریف‌های موجود در مذاهب و یا انحراف‌های ایجادشده در بعضی مقاطع زمانی برای بهره‌برداری سیاسی، استحکام حکومت و یا خام کردن مردم جامعه، همچون دوران پس از اوج‌گیری حکومت عباسیان و پس‌از آن عثمانی‌ها و یا صفویان و چرخش مسیر تبلیغات آموزه‌های دینی به سمت حفظ منافع حاکمان، نیست؛ بلکه دینی که همراه آموزه‌های پیش‌برنده در جامعه باشد - مانند صدر اسلام و حتی چند قرن اول اسلام - مطرح است.

بر این اساس سرمایه دینی به مجموعه نهادها، عملکردها، تجربه‌ها، اعتقادات، باورها، ارزش‌ها، دانش، قوانین و مقررات، نمادها و واقعیت‌های محیطی فیزیکی و غیر فیزیکی و مانند آن در جامعه می‌گوییم که از وجود دینی و ایمان دینی نشأت گرفته باشد. سرمایه دینی را به دو بخش سرمایه دینی فردی و سرمایه دینی اجتماعی تفکیک می‌کنیم. سرمایه دینی در این قالب تعریف و تشریح مناسب‌تری پیدا می‌کند.

در واقع «پلیس» به‌عنوان یک فرد از اجتماع، باید از ویژگی‌های فردی و اجتماعی را برخوردار باشد تا بتواند در تحقق دولت اسلامی ایفای نقش نماید. در ادامه به سرمایه فردی و اجتماعی اشاره می‌شود.

1. P. Bourdieu.

۳-۳- سرمایه دینی فردی

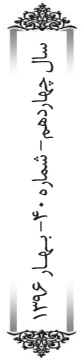
به مجموعه دین و مذهب انتخابی و اعتقادات، باورها، دانش، تجربه‌ها، ارزش‌ها و عادت‌های حاصل از ایمان دینی و یا درباره مذهب نزد فرد، سرمایه دینی یا مذهبی فردی می‌گوییم. به عبارت دیگر عناصر دینی شکل‌دهنده و سازنده رفتارهای فرد، سرمایه دینی فردی است که این عناصر به‌طور خلاصه عبارت‌اند از: کیفیت دینی انتخابی فرد، اعتقادات، باورها، دانش، هنجارها، تجربه‌ها و عادت‌های دینی فردی است که در رابطه با پلیس به‌عنوان یک فرد از اجتماع است.

در اثرگذاری این سرمایه، نقش اساسی را عمق و گستردگی هریک از عناصر شکل‌دهنده آن ایفا می‌کنند که محور و پایه این عمق، ایمان دینی فرد است. پس از تبیین «سرمایه دینی اجتماعی» به این موضوع اشاره خواهیم کرد.

۳-۴- سرمایه دینی اجتماعی

مجموعه نهادها، عملکردها، قوانین و مقررات، ارزش‌ها، اعتقادات، باورها، هنجارها، دانش، نمادها و سمبل‌های شکل‌دهنده ساختار دینی جامعه، سرمایه دینی اجتماعی نامیده می‌شود. به عبارت دیگر می‌توان گفت مجموعه عناصر شکل‌دهنده ساختار دینی هر جامعه‌ای، سرمایه دینی آن جامعه است که در سازمان پلیس شامل عناصر زیر می‌شود:

- کیفیت دین حاکم در سازمان پلیس (اصول اعتقادی و قوت، دقت و صحت آن).
- نهادهای دینی سازمان پلیس.
- عملکردهای دینی نهادهای سازمان پلیس.
- قوانین و مقررات دینی حاکم بر سازمان پلیس.
- اعتقادات، باورها، ارزش‌ها و هنجارهای دینی سازمان پلیس.
- دانش و مهارت‌های دینی افراد سازمان پلیس.
- فضاها، نمادها و سمبل‌های دینی سازمان پلیس.
- و مانند این‌ها.



۳-۵- سرمایه دینی و ایمان

ایمان به معنای تصدیق قلبی با رسوخ در عمق وجود انسان‌ها، باعث فراگیر شدن اثر دین و آموزه‌های آن در همه رفتارهای انسان می‌شود، از این رو می‌توان ایمان را مایه و نهاد اصلی سرمایه دینی فردی دانست. البته ایمان با اثرگذاری فزاینده بر سرمایه دینی فردی، ساختار سرمایه دینی اجتماعی را نیز شکل می‌دهد و آن را تقویت می‌کند. درباره اثرگذاری ایمان بر رفتارها، مباحث مفصلی وجود دارد و در این مقاله فرصت بحث آن نیست (از جمله رجوع شود به عزتی، ۱۳۸۴). با این وجود، به طور خلاصه می‌توان گفت وجود ایمان به خدا، جهان پس از مرگ، رسالت و هدایت الهی، معنویت و فرشتگان، موجب می‌شود ساختارهای اعتقادی، عاطفی و عملکردی افراد به شدت تحت تأثیر قرار گیرد و بر آن اساس رفتار افراد به صورت مورد نظر دینی شکل بگیرد. این شکل‌گیری ساختارهای رفتاری، تشکیل سرمایه است و حاصل، همان سرمایه‌ای است که سرمایه دینی فردی می‌نامیم. این ساختارها می‌تواند بدون وجود ایمان نیز به صورت دینی شکل بگیرد. این شکل‌گیری می‌تواند بدون وجود ایمان فردی از طریق نهادهای اجتماعی، عادت‌ها و هنجارهای فردی و اجتماعی و مانند آن شکل بگیرد. از این رو، اثر ایمان و سرمایه دینی، دو اثر جداگانه است، اما این دو عامل بر یکدیگر مؤثر هستند.

به همین صورت می‌توان گفت ایمان از طریق شکل‌دهی به سرمایه دینی فردی بر سرمایه دینی اجتماعی و ساختاربخشی آن، اثر مبنایی و پایه‌ای دارد، زیرا رفتارها، عملکردها، نهادها و مانند این‌ها در اجتماع توسط افراد شکل می‌گیرد. البته بسیاری از عناصر شکل‌دهنده ساختار سرمایه دینی اجتماعی، حاصل سرمایه دینی گذشتگان و ویژگی‌های تاریخی و محیطی جوامع در گذشته و امروز است. با این وجود، اثرگذاری این ویژگی‌ها نیز با تقویت ایمان دینی -که خود می‌تواند از ابعادی تحت تأثیر سرمایه دینی باشد- افزایش می‌یابد. اثرگذاری هر یک از این‌ها به عمق نفوذ آن‌ها در جامعه، گستردگی کمی و کیفی آن‌ها، عملکرد و جایگاه صحیح و مناسب آن‌ها نزد مردم، دقت، صحت و فایده معنوی آن‌ها، مقبولیت آن‌ها نزد افراد جامعه و نظیر آن‌ها، بستگی دارد.

دین یک عامل محرک و برانگیزاننده کیفیت و کمیت اعمال و رفتارها و نتایج آنها است. این عامل می‌تواند امیدبخش، سوق‌دهنده به جلو، موجب رشد و پیشرفت، تحرک، ایجاد تحول، بهبود بهره‌وری و تولید، افزایش سرمایه‌گذاری، ایجاد الگوی مصرف و پس‌انداز خاص و مانند این‌ها شود. بر این اساس، می‌توان دین را یک عامل مؤثر بر متغیرهای فردی و اجتماعی دانست و گفت دین یک عامل محرک روبه‌جلو است. این عملکرد و اثرگذاری مانند عملکرد سرمایه فیزیکی است. از این رو «دین» سرمایه تلقی می‌شود. این سرمایه می‌تواند درون یک فرد یا یک جامعه انباشته شود. در هر دو حالت، این سرمایه، قابل کاهش و افزایش است. در ادامه منابع ایجاد و گسترش این سرمایه را بیان می‌کنیم.

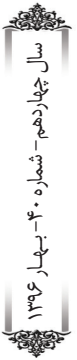
۴- خودفزاینده‌گی و استهلاک سرمایه دینی

سرمایه دینی موجب افزایش ایمان در افراد می‌شود و نیز از طریق تقویت سرمایه‌های دینی فردی باعث افزایش توان ایجاد سرمایه دینی اجتماعی می‌شود. ایمان و سرمایه دینی فردی باعث افزایش ایجاد (تولید) سرمایه دینی فردی و اجتماعی جدید می‌شود. سرمایه دینی می‌تواند استهلاک نیز داشته باشد که بخشی از استهلاک می‌تواند از طریق خودبازسازی درونی (خودفزاینده‌گی) جبران شود. بخشی از آن نیز نیازمند صرف سرمایه انسانی و سرمایه فیزیکی است.

استهلاک سرمایه دینی به معنای کاهش هنجارها، ارزش‌ها، نمادها، سمبل‌ها، مکان‌های دینی به صورت مادی یا معنوی و به صورت کمی یا کیفی است. وجود خودفزاینده‌گی و استهلاک از این نوع در سرمایه دینی نیز، یکی از وجوه تمایز آن با سرمایه اجتماعی است.

۵- نحوه اثرگذاری سرمایه دینی بر اقتصاد جامعه

سرمایه دینی شامل عناصر مختلفی است. این عناصر می‌توانند به صورت‌های مختلف بر فعالیت‌های اقتصادی اثرگذار باشند. از جمله مهم‌ترین این فعالیت‌ها عبارت‌اند از:
- سرمایه دینی موجب افزایش رشد اقتصادی می‌شود.



- سرمایه دینی موجب توسعه اقتصادی می شود.
 - سرمایه دینی موجب افزایش شفافیت بازارها و گسترش اطلاعات صحیح و مفید می شود.
 - سرمایه دینی باعث بهبود توزیع ثروت و درآمد می شود.
 - سرمایه دینی بر مصرف فرد و جامعه اثر می گذارد.
 - سرمایه دینی بر ساختار و عرضه و تقاضای بازارهای مالی اثر می گذارد.
 - سرمایه دینی باعث بهبود امنیت اجتماعی و اقتصادی می شود.
 - سرمایه دینی رفاه فرد و جامعه را افزایش می دهد.
 - همچنین سرمایه دینی اثرات مشابهی بر بخش های دیگر جامعه دارد (عزتی، ۱۳۹۰)
- سرمایه دینی پلیس اسلامی به عنوان یک فرد اثرگذار در تمامی ارکان جامعه، باعث توسعه دولت اسلامی می شود.

۶- اثر سرمایه دینی بر توسعه

یکی از اصلی ترین معیارهای توسعه یافتگی، تولید است که در جایگاه خود به اثر سرمایه دینی بر تولید اشاره شد. از دیگر معیارهای توسعه یافتگی، رشد سطح آموزش افراد جامعه است که با افزایش سرمایه دینی فردی، افراد بنا به توصیه های دینی، خود را ملزم به کسب آموزش می دانند. افزون بر آن، رشد روحیه مشارکت جمعی باعث تقویت این الزام فردی می شود. همچنین افزایش مشارکت های جمعی باعث افزایش نهادهای آموزشی و افزایش سهولت دسترسی به آموزش می شود.

معیارهایی مانند درآمد افراد، بهداشت، تغذیه و نظیر این ها، با بهبود وضعیت درآمدی طبقات نیازمند جامعه، بهبود پیدا می کند که در بحث اثر سرمایه دینی بر توزیع، اشاره ای به آن شد. معیارهای فرهنگی و اجتماعی توسعه یافتگی، مانند نظم اجتماعی، امنیت و انضباط عمومی با کاهش جرائم و مفاسد، احترام به دیگران، مشارکت های عمومی، توسعه فضاهای فرهنگی که در نتیجه افزایش سرمایه دینی حاصل می شوند، بهبود پیدا می کنند و موجبات توسعه بیشتر را فراهم می کنند.

سرمایه دینی پلیس اسلامی به عنوان یک فرد اثرگذار در تمامی ارکان جامعه باعث توسعه دولت اسلامی می شود.

۷- مسیرهای مختلف اثرگذاری سرمایه دینی بر توسعه

با توجه به این که بحث نقش سرمایه دینی پلیس در تحقق دولت اسلامی به صورت مطرح شده در این مقاله، در مجامع علمی مطرح نبوده است و اغلب فقط اثر سرمایه دینی بر توسعه مطرح شده است، ما در اینجا تنها به مسیرهای اثرگذار اشاره می کنیم و برخی از منابعی را که به اثر دین بر عوامل و مسیرهای مورد نظر تأکید داشته اند، نام می بریم.

دین موجب تنظیم رفتارهای فردی (آلپورت^۱ و راس^۲، ۱۹۶۸)، تقویت حسن نوع دوستی، مشارکت، همیاری، همبستگی و وحدت ملی (بانکستون^۳ و ژاوه^۴، ۱۹۹۵)، تقویت انضباط اجتماعی و احترام به حقوق دیگران (استون^۵، ۲۰۰۰)، وفاق جمعی و ساماندهی روابط اجتماعی (بانکستون و ژاوه، ۱۹۹۵)، رعایت هنجارهای عمومی و کاهش مفاسد اجتماعی، جرائم و بزه ها (چادویک^۶ و تاپ^۷، ۱۹۹۳)، کاهش تخطی از قوانین و مقررات (بور^۸ و مک کار^۹، ۱۹۹۴)، افزایش صبر و تحمل در مقابل مشکلات (عزتی، ۱۳۷۶: ۷۹)، سخت کوشی (افشانی، ۱۳۸۰: ۷۹)، تسهیل در جامعه پذیری و تحکیم عواطف مشترک (پیرس^{۱۰} و آکسین^{۱۱}، ۱۹۹۸)، تقویت کمک های خیرخواهانه (یاناکن، ۱۹۹۰)، افزایش حمایت از محرومان (سولیوان^{۱۲}،

1. Alport.
2. Ross.
3. Bankeston.
4. Jaw.
5. Stoon.
6. Chadwick.
7. Top.
8. Bure.
9. McCkar.
10. Pearce.
11. Axinn.
12. Sollivan.

۱۹۹۰)، بهبود آرامش خاطر (پیرس و آکسین، ۱۹۹۸)، افزایش اعتماد به نفس (عزتی، ۱۳۷۶: ۲۱۵)، افزایش اعتماد عمومی به دیگران و صداقت، تعهد کاری و تعهد اجتماعی (کاندلند، ۲۰۰۰ و عزتی، ۱۳۷۶: ۱۶۵)، پرهیز از ریاکاری و تقویت روحیه حفظ منافع اجتماعی (کاندلند، ۲۰۰۰)، امیدواری و تقویت احساس رضایت و خوشبختی (دینز، ۱۹۹۴)، تقویت روحیه مشورت، همدلی و همفکری (لاو^۳ و هاندار، ۱۹۹۵) و مانند این‌ها می‌شود که همگی می‌توانند بر رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه، مؤثر واقع شوند. به علت حجم و گستردگی بسیار زیاد این عوامل و مسیرها، فقط به اثرگذاری برخی از این عوامل در دو نوع سرمایه دینی فردی و اجتماعی اشاره می‌کنیم.

۸- نحوه اثرگذاری سرمایه دینی فردی بر توسعه

سرمایه دینی فردی از راه‌های مختلف، موجب اثرگذاری بر رفتار افراد می‌شود؛ در ادامه به چند مورد از این اثرات اشاره می‌شود:

دین موجب رشد معنویت و اخلاق می‌شود. این دو عامل موجب بهبود اعتماد به نفس از طریق توجه کمتر به مادیات می‌شوند. اعتماد به نفس بیشتر، موجب افزایش توانایی‌ها، ابتکارات، نوآوری‌ها و در نهایت کیفیت و کمیت تولید می‌شود. همچنین اعتماد به نفس، موجب بهبود رفتارهای اجتماعی و برخورد با سایر افراد جامعه می‌شود. اخلاق نیز این اثر را دارد و موجب می‌شود ساختارهای اجتماعی و خانوادگی تقویت شود و در نتیجه کارایی افراد جامعه، رفاه و توسعه افزایش یابد.

وجود سرمایه دینی فردی موجب می‌شود روحیه نوع دوستی، حمایت و کمک به دیگران، همکاری و تعاون عمومی و نظیر این‌ها در افراد افزایش یابد. این امر موجب می‌شود افراد در جهت کمک به دیگران و حمایت مالی و اقتصادی از افراد کم‌درآمد تلاش کنند و در نتیجه

1. Canland.
2. Deanner.
3. Lawe.
4. handal.

موجب کاهش فقر و بهبود رفاه عمومی و عدالت می‌شود. این کمک‌ها از طریق هبات، زکات، صدقات، مشارکت، همیاری، قرض‌الحسنه و مانند این‌ها انجام می‌شود.

وجود سرمایه دینی کافی در افراد موجب پرهیز از جرم، فساد و ناهنجاری‌های اجتماعی می‌شود که به شدت بر امنیت و رفاه عمومی و در نتیجه توسعه، اثرگذار است و آن را بهبود می‌بخشد.

وجود سرمایه دینی فردی موجب مشارکت و تلاش برای توسعه نهادهای اجتماعی دینی می‌شود که بر توسعه و رشد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کمک شایانی می‌کند.

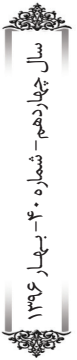
در تمامی ادیان به‌ویژه در دین اسلام، بر مدیریت مصرف و پرهیز از اسراف و تبذیر، بسیار تأکید شده است. آیه شریفه ﴿يَا بَنِي آدَمَ... كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ (أعراف، ۳۱) و دیگر آیات قرآن کریم، مبین این مطلب است که مدیریت مصرف، مورد تأکید دین اسلام است.

همچنین نقش دین به‌عنوان قدرت ملی در ارائه توصیه‌ها برای انجام کار و تلاش در تمامی ادیان به‌روشنی بیان شده است. آیه شریفه ﴿وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾ (نجم، ۳۹) و دیگر آیات قرآن کریم، مبین این موضوع است که سعی و تلاش جهت کسب روزی و معیشت و مسائل اقتصادی، مورد تأکید دین اسلام است (عزتی، ۱۳۹۰).

۹- نحوه اثرگذاری سرمایه دینی اجتماعی بر توسعه

در این زمینه نیز به چند مورد از اثرگذاری سرمایه دینی اجتماعی بر عوامل مؤثر بر توسعه اشاره می‌کنیم. سرمایه دینی اجتماعی موجب تقویت بسیاری از ساختارهای جامعه می‌شود. از جمله سرمایه دینی اجتماعی از طریق گسترش نهادهای مشارکتی، تعاون و همکاری در جامعه، موجب گسترش و توسعه نهادهای مدنی و اجتماعی و مانند این‌ها می‌شود که زمینه‌ساز توسعه و فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی و رفاهی بیشتر در جامعه هستند.

توسعه نهادهای دینی مانند قرض‌الحسنه، وقف، زکات، صدقات، هبات و مانند این‌ها،



موجب بهبود امکانات جامعه برای رفع نیازهای طبقات و اقشار نیازمند می‌شود و از این طریق عدالت، توسعه و رفاه عمومی افزایش، و فقر کاهش می‌یابد.

قوانین دینی جامعه موجب هدایت جامعه به سمت و سویی که دین، خواهان آن است می‌شود. وجود دولت دینی نیز همین اثر را دارد و می‌تواند جامعه را به سمت و سوی مورد نظر دین هدایت کند. این دو عنصر باعث خودافزایی سرمایه دینی نیز می‌شوند و از این طریق به فزاینده‌گی اثرگذاری سرمایه دینی در جامعه کمک می‌کنند.

آموزش دینی، همچنین فضاها، نمادها و آداب‌های دینی موجود در جامعه، موجب تقویت دانش، اعتقادات، باورها، هنجارها، ارزش‌ها و رفتارهای دینی افراد جامعه می‌شود و در نتیجه موجب فزاینده‌گی اثرگذاری سرمایه دینی بر خود و بر سایر عوامل و مسیرهای توسعه می‌شود (عزتی، ۱۳۹۰).

۱۰- توسعه اقتصادی در توسعه پایدار

قوانین و مقررات، مبنای عملکرد تمامی عوامل اقتصادی هستند و بدون داشتن قوانینی که از ایجاد ثبات و امنیت در فضای کسب و کار اقتصادی حمایت کند، سطوح بالای امنیت اقتصادی نیز محقق نخواهد شد. قوانین و مقررات مربوط به تجارت، مالیات، مالکیت، سرمایه‌گذاری خارجی، کار و مالکیت معنوی، از مهم‌ترین قوانینی هستند که ارتباط زیادی با موضوع امنیت اقتصادی دارند و نباید در تدوین این قوانین، سلیقه‌ها و نگرش‌های انحصارگرایانه و حذفی را اعمال کرد و اقوام و مذاهب را محدود کرد.

بر اساس آنچه گفته شد، هرگاه مردم جامعه‌ای احساس امنیت اقتصادی نکنند، واکنش‌های واگرایانه برای رسیدن به حقوق غضب‌شده خود نشان می‌دهند و این واکنش‌ها با رفتارهای تند و خشن و چالش‌برانگیز بروز می‌کند و منجر به بی‌ثباتی در تمامی حوزه‌ها خواهد شد. در جوامعی که نرخ مشارکت اقتصادی امنیت نیز به همین میزان افزایش پیدا می‌کند، همین موضوع را می‌توان در بین استان‌های کشور مشاهده کرد. هراندازه نرخ مشارکت اقتصادی بالا باشد، میزان احساس امنیت افزایش پیدا می‌کند. آنچه مسلم است، برقراری

امنیت بدون مشارکت مردم، عملی پرهزینه و ناپایداری است، در صورتی که هر اندازه مشارکت در بخش های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی بیشتر باشد برقراری امنیت آسان تر می شود. بر همین اساس با افزایش رشد و شکوفایی اقتصادی بستر ناامنی از بین خواهد رفت.

۱۱- امنیت اقتصادی^۱

در حال حاضر، امنیت اقتصادی، یکی از مهم ترین شاخص های توسعه یافتگی است. کشورهای در حال توسعه، جوامعی هستند که اولین و مهم ترین گام برای آن ها دستیابی به امنیت اقتصادی است تا در پرتو آن به یک نظام اقتصادی مطلوب برای ارتقای تولید و کارایی دست یابند و آن گاه به رفاه اقتصادی برسند. امنیت اقتصادی به عنوان مهم ترین شاخص توسعه یافتگی، نیاز به امنیت سرمایه گذاری دارد و هرگاه شاخص های امنیت سرمایه گذاری مثل برقراری ثبات سیاسی در پرتو ثبات دولت و عملکرد اقتصادی آن، مشارکت مردمی در پرتو آزادی های مدنی و سیاسی، نظام اداری سالم در پرتو کاهش میزان فساد مالی، کاهش میزان خشونت سیاسی در پرتو کاهش تنش های قومی و مذهبی و مشارکت دادن بیشتر آن ها در توسعه اقتصادی و مدیریت های کلان آن در جامعه ای وضعیت مطلوبی را پیدا کنند، موجب رشد اقتصادی آن جامعه خواهد شد.

پس از پایان جنگ جهانی دوم، جنبه های اقتصادی بیش از جنبه های نظامی مورد توجه سیاستمداران قرار گرفت، به طوری که با آغاز جنگ تحمیلی و تهاجم صدام به خاک جمهوری اسلامی ایران، این مسئله از اهمیت به سزایی برخوردار شد. به این لحاظ واژه «امنیت اقتصادی» مورد تأکید قرار گرفت که اولاً تمام نیروهای تولیدی کشور همیشه در نوعی بسیج اندیشه ای باقی بمانند و ثانیاً بخش های خصوصی و دولتی در یک خط هدف اقتصادی، متمرکز شوند. در واقع می توان گفت امنیت اقتصادی منوط به داشتن نیروهای نظامی مقتدر در جهان است تا در مورد ثبات امنیت اجتماعی که امنیت اقتصادی را نهادینه می کند، گام بر می دارد و کشورهایی که از چنین اقتداری برخوردار باشند در سرمایه گذاری و مقوله اقتصادی و بالطبع

1. Economical Security.

وضعیت معیشت و اشتغال، در رده بالایی قرار می‌گیرد (امراهزاده، ۱۳۸۹: ۱۵۰). امنیت اقتصادی از مباحث پراهمیت و حساسی است که به‌ویژه پس از اجرای سیاست‌های نوین اقتصادی مورد توجه قرار گرفته و درباره آن بحث و گفت‌وگوی بسیار شده است. امنیت اقتصادی، وضعیت باثباتی از شرایط و ساختار فعلی و افق معلوم و روشنی از آینده است که در آن فرد، جامعه، سازمان و دولت، احساس رهایی از خطر می‌کنند و به‌طور بهینه می‌توانند به تولید، توزیع و مصرف ثروت پردازند.

به‌عبارت‌دیگر یک جامعه را زمانی می‌توان از لحاظ اقتصادی ایمن دانست که ثبات در آن جامعه وجود داشته باشد و خانوارها و بنگاه‌ها به‌عنوان مهم‌ترین نهادهای اقتصاد و بازار، بتوانند در محیط رقابتی سالم و با میزان اطلاعات یکسان به بهینه‌سازی رفتار اقتصادی خود پردازند. به‌عبارت‌دیگر امنیت اقتصادی به وضعی گفته می‌شود که در آن، واحدهای تولیدی بتوانند بدون نگرانی از خطرهای محیطی و نگرش‌های تبعیض‌آمیز دستگاه قدرت، برنامه‌ریزی بلندمدت کنند و از سرمایه‌گذاری با اهداف بلندنگر، ترس و اهمه‌ای نداشته باشند. در این صورت سرمایه‌گذار می‌تواند قوت اقتصادی لازم را کسب کند و به نفع جامعه عمل کند.

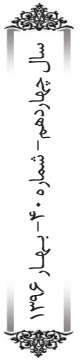
۱۲- مهم‌ترین شاخص‌های سرمایه‌دینی پلیس

اگر بخواهیم درباره سرمایه‌دینی و یا آثار آن بر سایر متغیرها و پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی به‌صورت تجربی مطالعه کنیم و بررسی‌هایی انجام دهیم، نیازمند تعریف متغیرهایی برای این عامل و داشتن شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری آن هستیم. در این راستا، این پرسش مطرح می‌شود که چه شاخص‌ها و متغیرهایی می‌توان برای اندازه‌گیری مقدار سرمایه‌دینی پلیس اسلامی تعریف کرد و آیا مقادیری برای چنین شاخص‌هایی در جامعه وجود دارد؟ در اینجا با توجه به اطلاعات و داده‌های موجود و امکان تولید برخی از آن‌ها، به چند شاخص در این زمینه اشاره می‌کنیم که می‌توانند شاخص‌های مناسبی برای این منظور باشند.

برخی شاخص‌ها و معیار اندازه‌گیری تجربی سرمایه‌دینی پلیس عبارت‌اند از:



- سطح اعتقادات دینی افراد پلیس.
 - سطح دانش دینی پلیس
 - کمیت و کیفیت هنجارهای دینی در جامعه.
 - تعداد اماکن دینی مانند مساجد حسینیه‌ها و... در مجموعه پلیس.
 - تعداد رده‌های عقیدتی سیاسی پلیس.
 - تعداد صندوق‌های قرض الحسنه پلیس.
 - تعداد مؤسسات خیریه پلیس مبتنی بر دستورات دینی.
 - تعداد هیئت‌های دینی پلیس.
 - تعداد مدارس و دانشگاه‌های پلیس.
 - تعداد (یا میزان) موقوفات پلیس.
 - مقدار آموزش‌های دینی رسمی.
 - تعداد مشاغل دینی پلیس.
 - تعداد روحانیان و... در مجموعه پلیس
- برخی از شاخص‌ها و معیارهایی که می‌تواند برای اندازه‌گیری سرمایه دینی فردی پلیس استفاده شود - البته مقدار این شاخص‌ها برای هر یک از افراد نیست، ولی می‌توان در مطالعات موردی و پیمایش‌های سازمانی و... از این‌ها استفاده کرد- عبارت‌اند از:
- دانش دینی فرد (برحسب نوع تحصیلات یا تعداد سال‌های تحصیل در مدارس ارائه‌کننده دروس دینی و مانند این‌ها).
 - اعتقادات و باورها و الزامات دینی فرد.
 - مقدار اعمال دینی که فرد انجام داده است و انجام می‌دهد.
 - تعداد جلسات دینی که فرد در آن‌ها شرکت کرده است و شرکت می‌کند.
 - عضویت در انجمن‌ها، مجامع و هیئت‌های دینی.
 - و مانند این‌ها.



۱۳- نحوه اثرگذاری سرمایه دینی پلیس بر امنیت اقتصادی و توسعه دولت اسلامی

بیشتر اشاره شد که قوانین و مقررات، مبنای عملکرد تمامی عوامل اقتصادی هستند و بدون داشتن قوانینی که از ایجاد ثبات و امنیت در فضای کسب و کار اقتصادی حمایت کند، سطوح بالای امنیت اقتصادی محقق نخواهد شد. قوانین و مقررات مربوط به تجارت، مالیات، مالکیت، سرمایه گذاری خارجی، کار و مالکیت معنوی، از مهم ترین قوانینی هستند که ارتباط زیادی با موضوع امنیت اقتصادی دارند. در غیاب امنیت و آرامش خاطر، هیچ فعالیتی به شکل دلخواه به ثمر نمی نشیند و آثار و نتایج مثبت به بار نمی آورد. برقراری و حفظ امنیت اقتصادی بدون شک به زمینه ها و ابزارهایی نیاز دارد که فراهم آوردن آن ها جزو اولویت های قدرت حاکمه است.

اصول بنیادین کشور جمهوری اسلامی ایران، بر مبنای دین اسلام بنا نهاده شده است. اگر پلیس کشور که مجری امنیت کشور است «اسلامی» نباشد، نمی توان امید چندانی به تحقق دولت اسلامی که یک بُعد اصلی آن اقتصاد اسلامی است، داشته باشیم؛ پس لازمه تحقق امنیت اقتصادی در دولت اسلامی داشتن پلیس اسلامی است که به ابعاد آن در بخش های قبلی اشاره شده است.

۱۴- روش شناسی تحقیق

روش پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی و اطلاعات آن از طریق مطالعه نظریه های علمی و مرتبط با مباحث دینی و توسعه ای به دست آمده است که جهت انطباق بیشتر مؤلفه های مربوطه با دیدگاه صاحب نظران نظام، موضوعات با استفاده از روش پیمایشی در قالب پرسش نامه ۲۲ سؤالی با طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفت و با نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل و سپس با آزمون های آماری رتبه بندی شد. برای تعیین پایایی از فرمول آلفای کرونباخ استفاده شده و میزان تأثیر کارکردها، متناسب با امتیازهای کسب شده محاسبه شده است. جامعه نمونه شامل تعداد ۱۲۷ نفر از نخبگان و صاحب نظران ناجا با مدرک تحصیلی بالاتر از لیسانس

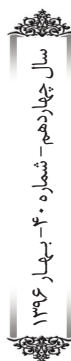


که در سه طیف (طیف اول، نخبگان و صاحب نظران در حوزه امنیت؛ طیف دوم، نخبگان و صاحب نظران در حوزه اقتصاد و توسعه؛ طیف سوم، نخبگان و صاحب نظران مطرح در حوزه دین) بوده است که به صورت هدفمند از کل جامعه آماری انتخاب و با فنون مناسب آماری و آزمون‌های توصیفی و استنباطی محاسبه شده است.

۱۵- یافته‌ها

الف: سیمای نمونه آماری (خصوصیات دموگرافیک پاسخ‌گویان)

نام متغیر		تعداد	درصد	نام متغیر		تعداد	درصد
جایگاه	اداری و اجرایی	۱۰۴	۹/۸۱	مدرک تحصیلی	لیسانس	۷۰	۱/۵۵
	دانشگاهی	۲۳	۱/۱۸		فوق لیسانس	۴۴	۶/۳۴
	جمع	۱۲۷	۱۰۰		دکتری	۱۳	۲/۱۰
سابقه خدمت	۱۱ تا ۲۰ سال	۱۹	۱۵	سن	جمع	۱۲۷	۱۰۰
	۲۱ تا ۳۰ سال	۷۹	۲/۶۲		کمتر از ۴۰ سال	۱۲	۴/۹
	۳۱ به بالاتر	۲۹	۸/۲۲		۴۱ تا ۵۰ سال	۷۷	۶/۶۰
	جمع	۱۲۷	۱۰۰		۵۰ سال به بالاتر	۳۸	۹/۲۹
نوع طیف نخبگان و صاحب نظران	حوزه اقتصاد	۱۶	۶/۱۲	جمع	۱۲۷	۱۰۰	جمع
	حوزه دین	۵۵	۴/۴۳				
	حوزه امنیت	۵۶	۴۴				
	جمع	۱۲۷	۱۰۰				





ب: تحلیل داده‌ها: دیدگاه پاسخ‌گویان در مورد شناخت نقش سرمایه‌دینی در استحکام ساخت درونی نظام ج.ا. ایران

نوع نهاد	تعداد	درصد	نوع نهاد	تعداد	درصد	نوع نهاد	تعداد	درصد	نوع نهاد	تعداد	درصد	نوع نهاد	تعداد	درصد	نوع نهاد	تعداد	درصد
سرمایه دینی بلس در تسونین مردم به تعاون و همکاری و زمینه‌ساز توسعه و فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی و رفاهی است	نقداد	۰	۱	۱۲	۴۸	۶۶	۱۲۷	۴۰/۴	قوانین دینی بلس جامعه موجب هدایت جامعه به سمت و سوی نوین است	نقداد	۰	۳	۹	۵۰	۶۵	۱۲۷	۳۹/۴
	درصد	۰	۸/۰	۴/۹	۸/۳۷	۵۲	۱۰۰	۴/۲		درصد	۰	۱/۷	۴/۳۹	۲/۵۱	۱۰۰	۱۲۷	۳۹/۴
توسعه نهادهای دینی مانند فرض الحسنه، وقف، زکات، صدقات، هیات و مانند آنها، موجب بهبود امکانات در مجموعه بلس برای رفع نیازهای طبقات و اقشار نیازمند می‌شود	نقداد	۰	۶/۱	۲/۱۰	۴/۳۹	۸/۴۸	۱۰۰	۳۵/۴	سرمایه دینی بلس هدف مند کردن زندگی و ایجاد رفتار معترفی صحیح معترفی فرد و جامعه از قبیل بهداشت، نظفیه و ...	نقداد	۰	۲	۱۴	۵۱	۶۰	۱۲۷	۳۷/۴
	درصد	۰	۶/۱	۲/۱۰	۴/۳۹	۸/۴۸	۱۰۰	۲/۴		درصد	۰	۱/۳	۲/۲۲	۴/۳۵	۱۰۰	۱۲۷	۳۷/۴
سرمایه دینی بلس در ارائه توصیه‌ها برای سعی و تلاش متعاضد اقتصادی موجب تحریک اقتصادی است.	نقداد	۰	۳	۲۳	۴۸	۴۵	۱۲۷	۰۲/۴	سرمایه دینی بلس در توسعه به ایجاد هنجارها موجب کاهش جرائم و متعاضد اقتصادی است.	نقداد	۰	۲	۱۳	۵۰	۶۲	۱۲۷	۳۵/۴
	درصد	۰	۱/۱۸	۲/۲۲	۸/۳۷	۴/۳۵	۱۰۰	۲/۱		درصد	۰	۶/۱	۲/۱۰	۴/۳۹	۸/۴۸	۱۰۰	۱۲۷
اجداد فضیلتها، نمادها و سمبل‌های دینی بلس موجود در جامعه، موجب تقویت دانش، اعتقادات، باورها، هنجارها، ارزش‌ها و رفتارهای دینی افراد جامعه است	نقداد	۰	۱	۱۲	۴۸	۶۶	۱۲۷	۴۰/۴	سرمایه دینی بلس موجب توسعه عدالت و توزیع عادلانه ثروت و درآمد است.	نقداد	۰	۳	۱۸	۵۱	۵۴	۱۲۷	۲۱/۴
	درصد	۰	۸/۰	۴/۹	۸/۳۷	۵۲	۱۰۰	۴/۲		درصد	۰	۸/۰	۲/۱۴	۵/۴۲	۱۰۰	۱۲۷	۲۱/۴
سرمایه دینی بلس باعث افزایش رفاه عمومی و کاهش فقر و توسعه به نامین مایحتاج رفاهی افراد است	نقداد	۰	۵	۱۵	۴۷	۵۵	۱۲۷	۱۱/۴	سرمایه دینی بلس در توسعه به ایجاد هنجارها موجب کاهش جرائم و متعاضد اقتصادی است.	نقداد	۰	۲	۱۳	۵۰	۶۲	۱۲۷	۳۵/۴
	درصد	۰	۹/۳	۹/۳	۸/۱۱	۳۷	۳/۴۳	۱۰۰		۲/۱	درصد	۰	۶/۱	۲/۱۰	۴/۳۹	۸/۴۸	۱۰۰
سرمایه دینی بلس موجب تقویت ساختارهای جامعه و گسترش نهادهای مشارکتی، نهادهای اقتصادی، مدنی و اجتماعی است	نقداد	۰	۱	۲۰	۵۳	۵۳	۱۲۷	۲۴/۴	سرمایه دینی بلس در توسعه به ایجاد هنجارها موجب کاهش جرائم و متعاضد اقتصادی است.	نقداد	۰	۳	۱۸	۵۱	۵۴	۱۲۷	۲۱/۴
	درصد	۰	۸/۰	۷/۱۵	۷/۴۱	۷/۴۱	۱۰۰	۲/۱		درصد	۰	۶/۱	۲/۱۰	۴/۳۹	۸/۴۸	۱۰۰	۱۲۷

نقش سرمایه‌دینی بلس در تحقق دولت اسلامی
با تأکید بر توسعه امنیت اقتصادی در دولت اسلامی

۱۶- نتیجه گیری

یافته‌های پژوهش و شناسایی مؤلفه‌های اثرگذار، نشان می‌دهد که:

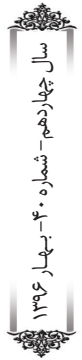
پلیس به‌عنوان مجری امنیت داخلی کشور، وظیفه مهمی در توسعه دارد یکی از ابعاد توسعه داخلی، توسعه اقتصادی است. بر اساس آنچه گفته شد، هرگاه مردم جامعه‌ای احساس امنیت اقتصادی نکنند، واکنش‌های واگرایانه برای رسیدن به حقوق غصب‌شده خود نشان می‌دهند و این واکنش‌ها با رفتارهای تند و خشن و چالش‌برانگیز بروز می‌کند و منجر به بی‌ثباتی در تمامی حوزه‌ها خواهد شد.

اصول بنیادین کشور جمهوری اسلامی ایران بر مبنای دین اسلام بنا نهاده شده است اگر پلیس کشور که مجری امنیت کشور است، اسلامی نباشد نمی‌توان انتظار چندانی از تحقق دولت اسلامی که یک بُعد اصلی آن اقتصاد است، داشته باشیم. بر این اساس لازمه تحقق امنیت اقتصادی در دولت اسلامی، داشتن پلیس اسلامی است که به ابعاد آن در بخش‌های قبلی اشاره شده است.

معیار توسعه‌یافتگی، تولید است. از دیگر معیارهای توسعه‌یافتگی، رشد سطح آموزش افراد جامعه است که با افزایش سرمایه دینی فردی، افراد بنا به توصیه‌های دینی، خود را ملزم به کسب آموزش می‌دانند. افزون بر آن، رشد روحیه مشارکت جمعی باعث تقویت این الزام فردی می‌شود. همچنین افزایش مشارکت‌های جمعی باعث افزایش نهادهای آموزشی و افزایش سهولت دسترسی به آموزش می‌شود.

معیارهایی مانند درآمد افراد، بهداشت، تغذیه و نظیر این‌ها با بهبود وضعیت درآمدی طبقات نیازمند جامعه، بهبود پیدا می‌کند. معیارهای فرهنگی و اجتماعی توسعه‌یافتگی، مانند نظم اجتماعی، امنیت و انضباط عمومی با کاهش جرائم و مفاسد، احترام به دیگران، مشارکت‌های عمومی، توسعه فضاهای فرهنگی که در نتیجه افزایش سرمایه دینی پلیس حاصل می‌شوند، بهبود پیدا می‌کنند و موجبات توسعه بیشتر را فراهم می‌سازند.

سرمایه دینی پلیس، از طریق تشویق مردم به تعاون و همکاری، زمینه‌ساز توسعه و فعالیت‌های



اجتماعی و اقتصادی و رفاهی است. قوانین دینی جامعه موجب هدایت جامعه به سمت و سوی تولید می‌شود. توسعه نهادهای دینی پلیس مانند قرض‌الحسنه، وقف، زکات، صدقات، هبات و مانند این‌ها، موجب بهبود امکانات جامعه برای رفع نیازهای طبقات و اقشار نیازمند می‌شود. سرمایه دینی پلیس، موجب افزایش نهادهای آموزشی و افزایش سهولت دسترسی و رشد سطح آموزش افراد جامعه می‌شود.

سرمایه دینی پلیس، موجب هدفمند کردن زندگی و ایجاد رفتار صحیح مصرفی فرد و جامعه از قبیل بهداشت، تغذیه و... است. سرمایه دینی پلیس در ارائه توصیه‌ها برای سعی و تلاش مضاعف اقتصادی موجب تحرک اقتصادی است. ایجاد فضاها، نمادها و سمبل‌های دینی موجود در سازمان پلیس، موجب تقویت دانش، اعتقادات، باورها، هنجارها، ارزش‌ها و رفتارهای دینی افراد جامعه است. سرمایه دینی پلیس در توصیه به ایجاد هنجارها موجب کاهش جرائم و مفاسد اقتصادی است. سرمایه دینی پلیس موجب توسعه عدالت و توزیع عادلانه ثروت و درآمد است. سرمایه دینی پلیس، باعث افزایش رفاه عمومی و کاهش فقر و تأمین لوازم رفاهی افراد است. سرمایه دینی پلیس موجب امنیت اجتماعی و اقتصادی است. سرمایه دینی پلیس موجب تقویت ساختارهای جامعه و گسترش نهادهای مشارکتی، نهادها اقتصادی، مدنی و اجتماعی است. سرمایه دینی پلیس، زمینه ایجاد ساختارهای مساعد رشد و تعالی مادی و معنوی را فراهم می‌کند. سرمایه دینی پلیس، موجب توسعه نهادهای مدنی، نهادهای اقتصادی و اجتماعی رشد‌دهنده کل جامعه می‌شود و از این طریق باعث رشد و توسعه بیشتر دینی و فرهنگی جامعه و نیز موجب تقویت بنیان‌های توسعه می‌گردد.

از این رو می‌توان عناصر شکل‌دهنده ساختارهای دینی پلیس را سرمایه‌های مفید و مؤثر برای توسعه امنیت دانست که در همه ابعاد زندگی اقتصادی و اجتماعی مؤثر هستند. در مجموع، دین و معنویت به‌عنوان قدرت برتر پلیس بر توسعه امنیت اقتصادی مؤثر است و در تحقق دولت اسلامی ایران نقش اساسی دارد و ضرورت دارد متصدیان مدیریت امور کشور، با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری و ایجاد راهبردهای مناسب در حوزه سرمایه دینی پلیس، برای

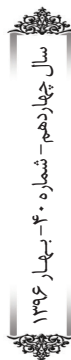
با تأکید بر توسعه امنیت اقتصادی در تحقق دولت اسلامی



ایجاد بسترها و زمینه‌های توسعه اقتصادی کشور، اقدام نمایند تا از این طریق به تحقق دولت اسلامی کمک کنند. پلیس به‌عنوان یک فرد از افراد جامعه، باید ویژگی‌های فردی و اجتماعی را دارا باشد تا بتواند در تحقق دولت اسلامی ایفای نقش نماید.

۱۷- پیشنهادها

- توسعه و گسترش دادن سرمایه دینی پلیس به‌ویژه در ابعاد کیفی آن و به‌ویژه توسعه امنیت اقتصادی.
- تدوین و تصویب قانون جامع توسعه و گسترش دادن سرمایه دینی پلیس توسط نهادهای متولی.
- تحقیق و مطالعات مبنایی و توسعه‌ای و کاربردی در زمینه توسعه و گسترش دادن سرمایه دینی پلیس و گردآوری الگوها و ابزارهای موفق.



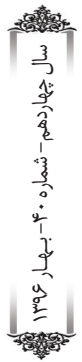
Archive of SID

منابع

- الوانی، سید مهدی و علیرضا شیروانی (۱۳۸۰). «سرمایه اجتماعی مفاهیم و نظریه‌ها»، فصلنامه مدیریت، شماره ۳۳-۳۴.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۴). شکل‌های سرمایه، گردآورنده کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
- پوتنام، رابرت و دیگران (۱۳۸۴) سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، گردآورنده کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
- پور موسوی، فتح‌الله (۱۳۸۱). جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی، مجله راهبرد، شماره ۲۶.
- رحمانی، تیمور و حسین عباسی نژاد و میثم امیری (۱۳۸۶). «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، تابستان ۱۳۸۶.
- دادگر، یدالله و مرتضی عزتی (۱۳۸۱). «بررسی رابطه دین و رفتار مصرف‌کننده در سایر ادیان»، فصلنامه مفید، شماره ۳۱.
- شارع پور، محمود (۱۳۷۹). «بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن»، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۳۶.
- شارع پور، محمود (۱۳۸۰). «فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن»، نشریه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳.
- عزتی، مرتضی (۱۳۷۶). فرهنگ توسعه از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- عزتی، مرتضی (۱۳۸۱). «تبیین نظریه رفتار مصرف‌کننده مسلمان»، تهران: پایان‌نامه دکتری اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
- عزتی، مرتضی (۱۳۸۳). ایمان، عقلانیت و رضایت خاطر، تهران: مرکز پژوهش‌های اقتصاد.
- عزتی، مرتضی (۱۳۸۴). نظریه اسلامی رفتار مصرف‌کننده، تهران: مرکز پژوهش‌های اقتصاد.



- عزتی، مرتضی (۱۳۸۶). «تخمین اثر ایمان بر تخصیص پول افراد برای قرض الحسنه و کسب سود»، تهران: فصلنامه دین و اقتصاد، شماره ۳.
- عزتی، مرتضی (۱۳۹۰). «سرمایه مذهبی: ماهیت، عناصر تشکیل دهنده و آثار آن»، مرکز تحقیقات.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن، مترجم غلامعباس توسلی، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان، چاپ اول.
- کتابی، محمود و دیگران (۱۳۸۵). «دین، سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی»، مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷) بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، چاپ اول.
- کهف، منذر (۱۳۷۵). مقدمه‌ای بر اقتصاد اسلامی؛ مترجم عباس عرب مازار؛ تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (۱۳۷۷). فلسفه سیاست، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
- وبر، ماکس (۱۳۷۱). اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری؛ ترجمه عبدالمعبود انصاری، تهران: سمت.



- Allport, G. W. & Ross, J. M. (1967). Personal Religious Orientation and Prejudice; Journal of Personality and Social psychology, No. 5. p.p. 432-433.
- Allen, R.C. (1998). The Great Divergence: Wages and Prices in Europe from the Middle Ages to the First World War; university of British Columbia press.
- Azzi, Corry and Ehrenger; Ronald G. (1975). Household Allocation of Time and Church Attendance; J. Polit. Econ. 83: pp. 27-56.
- Barro, Robert J. and Mc Cleary, Rachel M. (2002). Religion and political Economy in an International panel; NBE R Working Paper, No 8931, May.

- Beisner, E. Calvin (1989). *Christian Economics: A system Whose Time Has Come?* Lynchburg: Liberty university.
- Blum, Irlich and Dudley, Leonard (2001). *J. Evolutionary Economics*; p.p. 207-230.
- Candland, Christophen. (2000). *Religion and community in southern Asia*, Kluwer Academic Publishers, vol 33.
- Chiswick, Barry R. (1983). *The Earnings and Human Capital of American Jews*; *J. Human Res.* 18: 3, pp. 36-313.
- Delacroix, Jacques. (1992). *A Critical Empirical Test of the Common Interpretation of the Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism*; Paper Presented on meetings of Int. Assoc. Business & Society in leuven, Belgium. *Journal of Research in Islamic Economics*, Vol. 2, No. 2, 1405.
- *Religion and Economic Action*: (1995). *The Protestant Ethic, The Rise of Capitalism and the Abuses of Scholarship*; *J. Sci. Study Rel.* 34: 1 pp. 27-126.
- Douglas, S.P. (1976) *Cross-National Comparisons and Consumer Sereatypes: A Case Study of working and Non-Working Wives in the U.S. and France*; *J. Consumer Research*; June p.p. 12-20.
- Ellison, Christopher G. (1991). *Religious Involvement and Subjective Well-being*; *J. Health & Soc. Behav.* 32: 1, pp. 80-99.
- Evans, T. David et al. (1995). *Religion and Clime Reexamined: The Impact of Religion, Secular Controls, and Social Ecology on Adult Criminality Criminology*, 33: 2, pp. 195-224.
- Gaiso, Luigi, & Sapienza, Paola, & Zingales, Luigi (2002) *People's Opium? The Economic Effect of Religion*; Preliminary and Incomplet Version, April.
- Glahe, Fred and vorhies, Frank (1989). *Religion, Liberty and Economic Development: An Empirical Investigation*; *Public choice*, 62: 3, pp. 15-201.
- 37- Greeley, Andrew M. (1989). *Religious Change in America*; Harvard U. Press.
- Heath, W. C. and Waters, M. S. and Watson, J.K. (1995). *Religion and Economic Welfare: An Empirical Analysis of state per capita income*; *J. Economic Behavior*



& Organization, Vol. 27, p.p. 129-142.

- Heaton, Timothy B. & Pratt, Edith L. (1990). The Effects of Religious Homogamy on Marital Satisfaction and Stability; J. of Family Issues, 11:P 2, pp. 191-207.

- Hirschman, Elizabet C. (1983). Religious Affiliati on and Consumer processes: An initial Paradigm in Jagdish N. Sheth ed. Research in Morketing, JAI Press, Green wich. CT.

- Hoge, Dean R. and Yang, Fenggang (1994). Determinants of Religious Giving in American Denominations: Date Frome Two Nationwide Surveys; Rev. Rel. Res. 36: 2, pp. 48-123.

- Iannaccone, Laurence R. (1984). Consumption, Capital and Habit Formation with an Application to Religious Participation. U. Chicago: ph. D. Dissertation. Religion; Retionality & Society, 3: 2, pp. 97-156.

- Lehrer, Evelyn (1996). The Role of the Husband's Religious Affiliation in the Economic and Demographic Behavior of Families; J. Sci. Study Rel. 35: 2, pp. 55-145.

- Lipford, Jody W. McCormick and Robert E. and Tollison, Rebert D (1993). Preaching Mateers; J. Econ. Behav.Organ. 21: 3, pp. 50-235.

-Mayer, Albert J. and Sharp, Harry (1962). Religious Prefernece and Worldly Success; American Sociological Review.

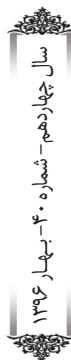
- Mc Cleary, Rachel M. (2002). Salvation and Economic Incentives; PRPES Working Paper, May.

- Paldam, Martin (1999). Corruption and Religion Adding to the Economic Model? Center for Dynamic Modeling in Economics, Working Paper No. 21.

- Pearce, Lisardf, Axinn, Wilian, G. (1998). The impact of religious life on the quality of mother child relation, American sociological review, 63.

- Pyle, Ralph E. (1993). Faith and Commiment to the Poor : Theological Orientation and Support for Government Assistance Measures ; Soc. Rel. 1993, 54: 4, PP. 385-401.

- Samuelsson, Kurt (1993). Religion and Economic Action: The Protestant Ethic,



the Rise of Capitalism, and the Abuses of Scholarship; Toronto: U. Toronto Press.

- Sood, James and Nasu, Yukio; (1995). Religiosity and Nationality An Exploratory Study of Their Effect on Consumer Behavior in Gapan and the United States; J. Business Research, Vol. 34, P.P. 1-9.

- Stark, Rodney (1972). The Economics of Piety: Religious Commiment and Social Class; in Issues in Social Inequality. Gerald W. Thielbar and Saul D. Feldman, eds. Boston: Little, Brown, PP. 483-503.

- Stigler, George J. and Becker, Gary S. (1977). De Gustibus Non Est Disputandum; Amer. Econ. Rev. 67: 2, PP. 76-90.

- Sullivan, Dennis H. (1985). Simultaneous Determination of Church Contributions and Church Attendance; Econ. Inquiry, 23: 2, P.P. 20-309.

- Tawney, Richard H. (1926). Religion and the Rise of Capitalism; New York: Harper and Row.

- Weber, Max (1958) The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism; Translated by Talcott Parsons; New York: Free Press.

- Wilkes, R.R. and Burnett, JJ. and Howell, R.D. (1986). On the Meaning and Measurment of Religiosit in Consumery Research; J. Academic Marketing Science, Vol. 14, (1) P. 56-74.